

راهبرد کلان جو بایدن در غرب آسیا و تأثیر آن بر مدیریت راهبردی منطقه نفوذ ایران

دکتر ایوب نوروزی

پژوهشگر مسائل سیاسی



یکی از فکت‌های نظم جدید جهانی، تغییر قواعد و زمین‌بازی است و یکی از راهبردهای کلان آمریکا به ریاست جمهوری جو بایدن در دوران گذار به نظم جدید، تداوم حضور آمریکا در منطقه است که این مسئله بر محیط امنیتی سیاسی ایران در منطقه غرب آسیا، بدون تأثیر نخواهد بود. با این اوصاف، تحلیل و تبیین وضعیت موجود راهبرد کلان جو بایدن در غرب آسیا و تأثیر آن بر مدیریت راهبردی منطقه نفوذ ایران حائز اهمیت است.

شکست خورده باید سیاست نوینی تدوین و اجرا کرد که اهداف و منافع راهبردی آمریکا را در منطقه تأمین و حفظ کند (رادفرو دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۹: ۲۲۶). از نظر دولت بایدن، مهار و محدودسازی نفوذ منطقه‌ای ایران نیز جزئی از فرایند کنترل تسلیحاتی ایران است که باید درباره آن مذاکره کرد. بایدن آشکارا بیان کرده است که با استفاده از اهرم «دیپلماسی فعال» و «اجماع‌سازی بین‌المللی»، ایران را مهار خواهد کرد. به نظر می‌رسد با همین هدف، مذاکرات منطقه‌ای را به دو صورت دنبال می‌کند:

- در قالب الگوی مذاکرات جامع و همه‌جانبه هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای که این الگو خود به دو گونه قابل اجراست؛ مذاکره هم‌زمان و توأمان هر سه موضوع به صورت یکجا و در بسته واحد یا به صورت مرحله‌ای و زمان‌بندی شده پس از پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای - موشکی در آخرین فاز؛
- در چهارچوب مدل مذاکرات مستقل ولی مرتبط؛ این الگوی مذاکراتی نیز به دو صورت قابل اجراست؛ آغاز هم‌زمان مذاکرات هسته‌ای - موشکی از یک سو، مذاکره منطقه‌ای از سوی دیگر، به موازات یکدیگر یا آغاز مذاکرات منطقه‌ای پس از به دست آمدن توافق اولیه هسته‌ای - موشکی به صورت مرحله‌ای و موازی (USIP, NOV, ۲۰۲۰).

استراتژی ج.ا.ایران برای مقابله با راهبرد آمریکا در غرب آسیا

حمله آمریکا به دو کشور همسایه، افغانستان و عراق، به شکل‌گیری مؤلفه‌های نوینی در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران منجر شد که به صورت

تردیدنی نداشته باشید که آمریکا به دو یا چند دلیل در منطقه غرب آسیا حضور خواهد داشت و گذار به نظم جدید، به معنی پایان آمریکا در غرب آسیا نخواهد بود؛ چرا که گذار از نظم تک‌قطبی آمریکا، به نظم جدید جهانی به معنی افول صددرصدی آمریکا نیست؛ از این رو تا به دست آوردن حل و فصل برخی مسائل از جمله برنامه هسته‌ای و موشکی، نفوذ منطقه‌ای ج.ا.ایران، امنیت رژیم صهیونیستی و اهمیت اقتصادی، نمی‌تواند به طور کامل منطقه را ترک نماید.

درست است که ج.ا.ایران در دکتترین امنیت ملی آمریکا جایگاهی ندارد اما تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و اهمیت اقتصادی منطقه، مهم‌ترین هدف و چالش باقی مانده برای آمریکا در منطقه غرب آسیا است؛ از این رو راهبردهای آنها در راستای تداوم این موضوعات، تداعی شده است و خواهد شد. به همین منظور، در این یادداشت علمی، نویسنده ابتدا نیم‌نگاهی به دولت بایدن و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد سپس به راهبرد کلان جو بایدن و تأثیر آن بر مدیریت راهبردی منطقه‌ای نفوذ جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

راهبرد کلان دولت بایدن در غرب آسیا

دولت جو بایدن، تدوین و تعقیب سیاست جدید نسبت به جمهوری اسلامی ایران را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی دولت خود اعلام کرده است. بایدن و تیم سیاست خارجی او، بر این باور هستند که کارزار فشار حداکثری ترامپ در قبال ایران ناموفق بوده است؛ بنابراین اعتقاد دارد که برای رهایی از این راهبرد

هم‌زمان، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای امنیت ملی کشور به همراه داشت. ورود ایالات متحده و ناتو به افغانستان، به حذف رژیم طالبان به عنوان تهدید امنیتی مهمی برای جمهوری اسلامی ایران منجر شد و فرصت‌هایی را برای نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در این حوزه ایجاد کرد. با این حال، حضور نیروهای غربی در افغانستان و تأثیرگذاری‌های آنها بر روند سیاسی و امنیتی این کشور، شکل‌گیری تهدیدات جدیدی برای ایران را در پی داشت.

گذشت زمان روشن کرد که تغییر حکومت در عراق نیز در نتیجه حمله آمریکا، فرصت‌های بسیار مهم‌تری را برای ایران ایجاد نمود و به‌ویژه، سبب حذف حکومت بعث به عنوان تهدید امنیتی مهم و شکل‌گیری نظام سیاسی مردم‌سالار جدیدی شد که با ایجاد روابط متعادل با ایران، به تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران منجر شد. از طرف دیگر، مجموعه تحولاتی در لبنان و فلسطین به وقوع پیوست که شکل‌گیری فرصت‌هایی برای ایران در منطقه غرب آسیا را به دنبال داشت. گسترش نقش‌آفرینی قدرتمند جبهه مقاومت در جنگ‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ در مقابل اسرائیل، از جمله تحولاتی بود که توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع ایران در غرب آسیا افزایش داد (امینی، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

رفتار سیاست‌خاورمیانه‌ای ایران، عدم انطباق با ساختارهایی است که توسط قدرت بزرگ خارجی تعریف شده است. با افول نقش این قدرت‌ها پس از جنگ سرد، بازیگران منطقه‌ای، قدرت قابل ملاحظه‌ای یافتند که عدم انطباق ناشی از رفتار آنها، شکل خاصی به سیستم امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا داده است. در واقع درون‌داد که وارد

نظام سیاسی این دولت‌ها می‌شود و خود ایجادکننده برون‌داد چالش‌زایی می‌گردد. در این زمینه می‌بایست به نقش عوامل خارجی در زمینه عدم انطباق-گرایی کشورهای غرب آسیا اشاره نمود (احمدی-خوی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۵).

برداشت از محیط خارجی و نیاز به احیا، مفهومی حیاتی برای بازگرداندن اهمیت تاریخی ایران و نقش آن در تعیین ترتیبات منطقه‌ای، سبب شکل دادن به افکاری در زمینه احیای قدرت کشور از راه تعیین موقعیت کشور در حوزه راهبردی و ژئوپلیتیکی می‌شود. ریشه اندیشه‌های جمع‌گرایانه در سیاست خارجی ایران، آمیخته‌ای از تأثیر محیط ژئوپلیتیک خارجی به همراه انگیزش‌های ناشی از ارزش‌های انقلابی است (همان).

به دلیل موقعیت ویژه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک کشور، ایران نمی‌تواند بدون حضور مستقل و مقتدرانه منطقه‌ای و حتی فرامنطقه‌ای، با تهدیدات خارجی مقابله نماید؛ بنابراین می‌توان چهار هدف عمده منطقه‌ای ایران را به شرح زیر برشمرد:

- حذف رژیم در راهبرد منطقه به عنوان دشمن شماره یک جهان اسلام؛
 - خروج کمی و کیفی بیگانگان از منطقه؛
 - حق تعیین سرنوشت ملل منطقه به دست خودشان؛
 - شکل‌گیری نظام امنیت مشترک منطقه‌ای.
- ایران برای دستیابی به اهداف بالا، عراق، سوریه، لبنان و یمن را به عنوان عمق راهبردی (استراتژیک) خود در راستای همدلی، هم‌اندیشی و حرکت روبه‌جلو تلقی می‌کند (قادری کنگاوری، ۱۳۹۷: ۲۹).



نماید؛ بنابراین واقعیت آن است که سیاست بازگشت بایدن به برجام، بسیار پیچیده و راه پر پیچ و خمی خواهد داشت؛ به گونه‌ای که به فرض بازگشت بدون قید و شرط به برجام، احتمال بروز اختلاف نظر بین ایران و آمریکا در زمینه چگونگی انجام تعهدات بسیار بالا است؛ از این رو، بازگشت بایدن به برجام را نمی‌توان پایان منازعه ایران و آمریکا و حتی ختم پرونده هسته‌ای دانست.

به منظور اعتمادسازی منطقه‌ای، ایران باید گفتگوهای جامع منطقه‌ای را به موازات و مستقل از سازوکار برجام، با بازیگران منطقه‌ای آغاز کند. سرانجام، ایران باید برجام کم‌یاز یا مبنی بر تغییر مفاد و تسری آن به برنامه موشکی و نفوذ منطقه‌ای خود را منتفی و خط قرمز سیاست هسته‌ای اعلام کند.

بازگشت بایدن به برجام، پایان منازعه ایران و آمریکا نخواهد بود / ج.ا.ایران باید گفتگوهای جامع منطقه‌ای را به موازات و مستقل از سازوکار برجام، با بازیگران منطقه آغاز کند.

سیاست بایدن در منطقه غرب آسیا در مقابل ایران، سیاستی مرحله‌ای و گام‌به‌گام است که هر سه موضوع راهبردی برنامه هسته‌ای، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را شامل می‌شود. به گونه‌ای که با بازگشت به برجام، در گام نخست، سعی می‌کند از راه شراکت با اروپا، همکاری با چین و روسیه و استفاده از ظرفیت‌های نهادهای بین‌المللی، برنامه هسته‌ای ایران را مهار کند سپس مفاد برجام را تقویت و توسعه دهد و برنامه موشکی ایران را محدود و مقید کند و سرانجام نفوذ منطقه‌ای ایران را مهار و محدود

امینی، سروش (۱۳۹۷)، «نسبت دگرگونی‌های منطقه غرب آسیا با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، تابستان، سال هشتم، شماره دوم.
رادفر، فیروزه و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی بایدن در قبال جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، زمستان، سال بیست و سوم، شماره چهارم، شماره مسلسل ۹۰.
قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۳۹۷)، «نقش مستشاری جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت منطقه‌ای»، فصلنامه آفاق امنیت، پاییز، سال یازدهم، شماره چهارم.

• United States Institute of Peace (USIP) (2020), Biden Foreign Policy Team on Iran, <https://www.usip.org/events/joe-bidens-tough-challenges-iran>.

با خروج مستقیم نیروهای آمریکا از منطقه می‌توان یک فرصت را برای ایران برشمرد که دست این کشور در حوزه نفوذ خود کاملاً باز شود اما درباره موازنه-سازی منطقه‌ای و بین‌المللی نیز آمریکا علاوه بر کمک و پیگیری برنامه صلح ابراهیم و کمک به عادی‌سازی روابط اعراب متحد خود در منطقه با اسرائیل، سعی در ایجاد یک ناتوی عربی و ناامن کردن فضا برای رقیب استراتژیک خود یعنی ایران می‌کند و از این راه می‌خواهد برنامه هسته‌ای را به حاشیه ببرد.

منابع

احمدی خوی، امیررضا و متقی، ابراهیم و نیاکویی، سید امیر (۱۳۹۷)، «آرمان‌های راهبردی و عملگرایی تاکتیکی در سیاست خاورمیانه‌ای ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار، سال چهاردهم، شماره اول.

